

در گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده کتاب «مصاف» مطرح شد

صدایی که از درون حوزه‌ها مقابل انقلاب اسلامی بود

■ محمد صادقی

انقلاب اسلامی مردم ایران فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است و درباره ابعاد مختلف آن در چهار دهه اخیر کتاب‌های مختلف و فراوانی نوشته و نشست‌های تخصصی بسیاری برگزار شده، اما یکی از ابعاد انقلاب اسلامی به خصوص در دهه اول پیروزی انقلاب که کمتر به آن توجه شده است، سنگ‌اندازی برخی حوزویان در سال‌های قبل و پس از پیروزی انقلاب در مقابل حرکت امام(ره) و انقلاب اسلامی مردم ایران بود. اخیراً کتابی با عنوان «مصاف» از سوی نشر معارف به زور طبع آراسته شده که درباره همین ماجرا و مخالفت عده‌ای از اهالی حوزه با انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره) است. این کتاب را سیدمحمد مهدی دژفولی، پژوهشگر و مستندساز تألیف کرده است. «جوان» به مناسبت رونمایی این کتاب گفت‌وگویی با نویسنده این اثر داشته است.

■ ■ ■

امام خمینی(ره) در یکی از مشهورترین نامه‌های خود که با عنوان مشهور روحانیت شهرت یافت، جمله‌ای دارند با این مضمون که «خون دلی که پسر پیر تان از دسته متحجر خورده است، هرگز از سختی‌ها و فشارهای دیگران نخورده است.» به عنوان سؤال اول، چطور شد که سراغ موضوع برخی مخالفت‌ها از درون حوزه با حرکت امام خمینی(ره) رفتید و تصمیم گرفتید درباره آن کتاب بنویسید؟

واقعیت این است که انقلاب اسلامی ایران مخالفان و دشمنان زیادی داشته و دارد و در این سال‌ها درباره مخالفان انقلاب در داخل و خارج کتاب‌هایی نوشته و بحث‌های زیادی شده است. منظور من هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی است، اما یکی از این دشمنی‌ها به مخالفت‌هایی که شاید زیاد درباره آن بحث نشده و کتاب زیادی هم نوشته نشده، اما مهم و کلیدی و قابل تأمل است، مخالفت عده‌ای از روحانیون و مراجع تقلید مشهور با انقلاب اسلامی مردم ایران و رهبری حضرت امام(ره) بوده است. در افکار عوام جامعه شاید اینطور جا افتاده باشد که انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ انقلاب روحانیون بود و روحانیت قدرت را به دست آورد و حوزه‌های علمیه مثلاً از طریق انقلاب اسلامی توانستند به مقامات رسمی حکومتی برسند یا به تعبیر شریعتی روحانیت یک حزب تمام بود و است! روحانیت یکدست است و همه باهم هستند!

تصور عمایانه کسانی که اتفاقات آن سال‌ها را ندیده یا رسد نگرفته‌اند تا حدی این دیدگاه را تأیید می‌کند که روحانیت در همه‌ای با امام خمینی(ره) یک دست بوده است!

در واقع اصلاً نیتگونه نبوده و نیست. حرکتی که مرحوم حضرت امام(ره) در سال ۱۳۴۲ شروع کردند و ۱۵ سال بعد در سال ۱۳۵۷ با نتیجه و ثمر رسید، مخالفان جدی در میان روحانیون و حوزه‌های علمیه داشت و همین‌ها بودند که در آن زمان روحانیت را به چالش کشیدند. سید کاظم شریعتمداری داشتیم که علناً شاه و دربار حمایت می‌کرد و چشم به روی همه نقض‌ها و ظلم‌های دستگاه شاه بسته بود و حتی حاضر نبود علیه اسرائیل حرفی بزند و مخالف انقلاب به رهبری امام بود و حتی ردپای ایشان در کودتای نقاب (نوزه) هم دیده می‌شود.

در سطح مرجعیت آیا شخص دیگری مانند شریعتمداری وجود داشت که با انقلاب و امام مخالف باشد؟

ما مرجعی همانند سیدمحمد شیرازی که بزرگ و پدر معنوی همین جریان شیرازی‌های امروز است، داشتیم که مثلاً در دوره جنگ تحمیلی درباره شهید نامیده شدن کشته‌های ایرانی در مقابل ارتش صدام احتیاط می‌کرد و این افراد را شهید نمی‌دانست و معتقد بود حرکت امام و انقلاب اسلامی مردم ایران و حقیقت و اصالت ندارد و به همین دلیل با انقلاب و امام(ره) مخالفت می‌کرد. این فرد همان کسی است که اول که امام(ره) به عراق تبعید شدند، از ایشان هم استقبال کردند و در وصفا ایشان شعر هم سرودند اما بعداً در دهه ۵ تبدیل به مخالف و منتقد امام(ره) شد، حتی بعد از پیروزی انقلاب، ایران هم آمد و در قم هم ساکن شد و باز مثلاً می‌خواست نشان دهد تغییر موضع داده و با امام همراه است اما بعداً باز روش سیاسی دیگری انتخاب کرد. ما مرجع تقلیدی داشتیم که قائم مقام رهبری بود، امید امت و امام لقب گرفته بود و خیلی‌ها فکر می‌کردند بعد از رحلت امام می‌شود به روی ایشان حساب کرد و مردی بود که سال‌ها سابقه شکنجه در زندان‌های ساواک را داشت و از پنج نفر اصلی مبارزات بود، اما همین فرد در دهه ۶۰طوری عمل کرد که گفته‌ها و عملکرد او در واقع حمایت از منافقین و جریان‌های لیبرال شد و علناً به گونهای موضع گرفت که اینگونه القا شود ایستادگی مردم ایران مقابل صدام در حمله به ایران بی‌فایده بوده و ما بی‌جهت جنگیدیم و جنگ برای ما تماماً خسارت و ضرر بوده است!

این گونه مخالفت‌های چهره‌های مشهور در حوزه یا در همان دوره به پایان رسید؟

اینها جریاناتی بودند که همچنان در حوزه‌های علمیه طرفدار دارند و اتفاقاً جدی‌ترین مخالفان انقلاب و امام(ره) همچنان هم در حوزه‌های علمیه همین جریانات هستند. همین جریان شیرازی‌ها را شما در حال حاضر می‌بینید. همین جریان آقای منتظری



را مشاهده می‌کنید که هر روز سعی می‌کنند علیه انقلاب و رهبری شبه‌سازی کنند.

صرف گفتن مخالفت‌ها کفایت می‌کند یا اینکه امروز مخاطب به دنبال چرایی اتفاقات است و باید در این زمینه هم او را روشن کرد؟

بررسی این جریانات فکری و تاریخی مهم است و من سعی کردم از درون اندیشه امام و انقلاب اسلامی به این جریانات نگاه کنم. پیام مشهور روحانیت امام سه ماه قبل از فوت ایشان در اسفندماه ۱۳۴۷ منتشر شده است و فراز پایانی آن دقیقاً وصف حال همین جریانات و افراد است؛ جریاناتی که در میان روحانیت و حوزه‌ها با انقلاب و امام مخالف بودند و هستند و حتی کسی را که فلسفه تدریس می‌کرد، نجس می‌دانستند یا آدم سیاسی بود که موضع گیری نسبت به مسائل سیاسی روز داشت و به امام انتقاد می‌کرد و معتقد بود روحانیت نباید در این امور وارد شود! حتی نامه اولی که امام در فروردین ۱۳۶۸ خطاب به آقای منتظری نوشته از این جهت معنی‌دار است. امام می‌فرمایند برای من صرفاً اجرای دستورات خداوند و اصرار بر راه حق مهم است و آینده تاریخ برای من مهم نیست و من اگر تنها بمانم این راه را ادامه می‌دهم. این یعنی اینکه برای امام(ره)، مثل برخی‌ها قضایات سیاسی و مقطعی برخی سوسیایم مهم نبوده و نیست، بلکه عمل به وظیفه و دستورات خداوند مهم بوده است. برخلاف افرادی مثل آقایان شریعتمداری و منتظری که با نوشته از این جهت معنی‌دار است، مواضع شان تغییر می‌کرد و بینش امام را نداشتند، برای خیلی از اینها ته مبارزات‌شان مثلاً مخالفت با بهائیت بود. هیچ کاری به جرم و جنایت اسرائیل علیه مسلمانان نداشتند یا معتقد بودند شاه ایران تنها شاه شیعه است و نباید او را تضعیف و همه کارهای او را باید تأیید کرد، به این بهانه که او به ظاهر شیعه است!

این کار شما اولین اثر در این زمینه است؟ اولین که خبیر، قبلاً هم دوستانی در حوزه هنری و در برخی مراکز پژوهشی دیگر همانند مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مشابه این کارها را انجام داده بودند. مثلاً مرکز اسناد انقلاب اسلامی کتابی درباره آقای شریعتمداری دارد به روایت اسناد ساواک یا حوزه هنری دو سه کتاب درباره آقای شریعتمداری و شیخ محمود حلبی(رهبر معنوی انجمن حجیه) دارد اما اینکه در یک کتاب به صورت مفصل و مبسوط این جریانات بررسی شوند و مواضع سه مرجع تقلید منتقد



فرهنگی

فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۳۷

مورد بحث قرار بگیرد، این برای اولین بار بوده است. کتاب برای مخاطب نسل جوان که هیچ تصویری از جریانات سیاسی پیش از انقلاب و سال‌های ابتدایی انقلاب ندارد، جذاب است؟

تلاش شده است برای نسل جدید به خصوص بچه‌های دهه‌های ۷۰ و ۸۰ که ذهنیتی نسبت به دهه اول انقلاب اسلامی ندارند کتاب روان، خوب و جذاب باشد و بتوانند وقتی کتاب را مطالعه می‌کنند با یک سیر سیاسی و تاریخی آشنا شوند و جریانات مخالف انقلاب در دهه اول را بشناسند. این مهم است از این جهت که بچه‌های ما خیلی ذهنیتی نسبت به این مسائل ندارند و صرفاً چیزهایی را شنیده‌اند یا در فضای مجازی در اینستاگرام خوانده‌اند. تلاش من این بوده است که این جریانات را تا حد خوبی برای نسل امروز موشکافی و بیان کنم.

درباره آقای منتظری و شریعتمداری همانطور که گفتید کتاب‌های زیادی به نسبت منتشر شده است، اما درباره جریان شیرازی‌ها و سیدمحمد شیرازی تاکنون خیلی کاری نشده است. دلیل شما برای اینکه سراغ این فرد و جریان او رفتید، چه بود؟

اولاً درباره آقای منتظری کتاب‌هایی که منتشر شده است بیشتر روی مسئله سیدمهدی هاشمی واعلم‌های ۶۷ و نامه فروردین ۶۸ مانور داده شده است. درباره جریاناتی مثل مذاکرات مک‌فارلین در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ یا نقش آقای منتظری در دستگاه قضایی دهه ۶۰ حرفی زده نشده است که در این اثر سعی کردم برای اولین بار به صورت مفصل، کامل و جدی درباره نقش آقای منتظری و بیست و دو جریان مک‌فارلین توضیح دهم. به هر حال بازی توسط اسرائیلی‌ها چیده شده بود و آقای منتظری هم در همان پازل بازی کرد و این مهم بود. پس این یک فصل تمایز!

در مورد آقای شریعتمداری هم بحث ایشان در حمایت از اسرائیل و کودتای نوزه مطرح شده است که تقریباً قبلاً خیلی به اینها پرداخته نشده و برای اولین بار به این جریانات اشاره شده و اینها فصل تمایز این کار یا کارهای گذشته است که برخی‌ها جسته و گریخته منتشر کرده‌اند.

اما درباره جریان شیرازی‌ها به دلیل اینکه این جریان در یک دهه اخیر حاد و جدی‌تر از قبل شده است، نیاز به شناخت اینها و افکارشان است. شیرازی‌ها از خاندان‌های اصیل در جهان تشیع هستند و بسیاری از آنها از مراجع تقلید بوده‌اند و نسل آنها به مرحوم میرزای شیرازی زعیم شیعیان در دوره قاجاریه و ناصرالدین شاه می‌رسد که صاحب فتوای مشهور تحریم تنباکو بوده است، اما همین جریان شیرازی‌ها دو دسته هستند؛ دسته‌ای که با انقلاب اسلامی و امام(ره) همراه بودند، همانند آقای سیدرضی شیرازی که امام جماعت مسجد شفا یوسف‌آباد بودند و اول انقلاب هم از مسئولان کمیته‌های انقلاب اسلامی بودند و توسط فرقان هم در سال ۱۳۵۸ ترور شدند. گروه دیگری همین جریان سیدمحمد شیرازی و سیدصادق شیرازی هستند که از همان دهه اول انقلاب شروع به مخالفت با امام و انقلاب کردند و مواضع امروز اینها را می‌بینید که کاملاً در راستای منافع استعمار و اختلاف‌اندازی در میان مسلمانان است.

من سعی کردم به جریان شناسی اینها هم بپردازم که به نظر مهم و کلیدی است و نباید ساده از کنار آن عبور کرد، به دلیل آنکه همین اختلاف‌اندازی‌ها باعث صدمات جبران‌ناپذیری در جهان تشیع و اهل سنت شده است.

فکر می‌کنید از کتاب شما چقدر استقبال شود و چقدر همین جریانات روحانیتی که در حوزه‌های علمیه امروز ما هستند با آن مخالفت خواهند کرد؟

قطعاً که مخالفت می‌شود و این جریانات را تأیید نمی‌کنند، اما مهم این است که این حرف‌ها زده شود و تاریخ سیاسی ما از این جهات هم گفته شود. بالاخره روحانیت اگر افراد فداکار و مبارزی همانند شهیدان بهشتی، مطهری، مفتح و باهنر به رهبری امام(ره) داشت که دستگاه ظلم و جنایت شاه را جمع کردند، افرادی هم دارد که کاملاً در راستای تأمین منافع برخی از دشمنان ایران حرکت کرده و می‌کنند و حامیان جدی هم هنوز دارند. آقای شریعتمداری فوت شد، اما همان تفکرات و تحلیل‌ها هنوز در میان شاگردان و علاقه‌مندان ایشان و برخی از روحانیون وجود دارد. آقای منتظری فوت شدند اما مواضع شاگردان و نزدیکان ایشان را که می‌بینید. تکلیف جریان شیرازی‌ها هم که مشخص است.

گویا قبل از شما آقای محسن کبودپر هم درباره برخی از روحانیون منتقد انقلاب اسلامی و حضرت امام(ره) کتاب‌هایی را به صورت مجازی منتشر کرده‌اند.

بله آقای کدیور در دهه ۹۰ درباره آقایان احمد آذری‌قمی، سید کاظم شریعتمداری، منتظری و اخوان زنجانی و مرحوم علامه طباطبایی کتاب‌هایی را منتشر و سعی کرد با قرآنت خودشان بگوید انقلاب اسلامی و امام(ره) دشمنان جدی در حوزه‌ها و در میان روحانیت داشت و خودش دشمنم روحانیت بود و با این قرآنت اصالت و حقانیت حرکت امام(ره) را زیر سؤال برد، اما بسیاری از تحلیل‌های او خدشه‌دار است و گاهی به عنوان مثال درباره مرحوم علامه طباطبایی و آقای شریعتمداری حرف‌هایی را زده‌اند که سند تاریخی درست و دقیقی ندارد و صرفاً برداشت‌های شخصی ایشان برای تفسیر سیاسی مطلوب‌شان از تاریخ است.

اهمیت جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی از نگاه ۳ کارشناس

مراکز مطالعاتی غرب

ایران ستیزی را دنبال می‌کنند نه ایران شناسی را

جایزه جهانی کتاب سال که چهلمین دوره خود را پشت سر گذاشت و برگزیدگانش را شناخت، یک فرصت فرهنگی برای جمهوری اسلامی در بعد بین‌المللی است که همچنان نیاز به تقویت دارد. پروفیسور نادر انتصار، پل بیلاز و عادل پیغامی سه کارشناسی هستند که نظر آنها را درباره جایزه کتاب سال ایران مرور می‌کنیم.

رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلاباما آمریکا بر ضرورت معرفی جایزه کتاب سال در رسانه‌های جهان تأکید می‌کند و معتقد است: عمده مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی مرتبط با مطالعات ایران، ایران‌ستیزی را دنبال می‌کنند نه ایران شناسی.

پروفیسور نادر انتصار، رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلاباما امریکاست. او در چه لیسانس خود را از دانشگاه کالیفرنیا، فوق لیسانس راز دانشگاه میسوری و دکتری خود را از دانشگاه سنت لوئیس امریکاخذ کرده است.

مطالعات دفاعی و سیاست خارجی، کشورهای در حال توسعه و ویژه کشورهای خاورمیانه، سیاست بین‌الملل و اقتصاد سیاسی، حقوق بین‌الملل و مدیریت منازعه از جمله حوزه‌های مطالعاتی وی است. انتصار از استادان مطرح مطالعات خاورمیانه در سطح بین‌المللی است و کتاب «سیاست کرد‌ها در خاورمیانه»

از وی منبعی قابل توجه در مطالعات کردی است. او درباره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و جایزه جهانی کتاب سال کرد، من آشنایی کمی با این جایزه دارم ولی آنچه می‌دانم این است که تمرکز این جایزه روی کتاب‌های فلسفی، دینی، تاریخی و ادبیات غربی‌ها و ایران آکادمیک

و کمتر به مطالعات خاورمیانه و علوم سیاسی می‌پردازد که جملمگی این موضوعات خارج از محور مطالعات و تحقیقات من هستند.

وی افزود: همانگونه که اشاره کردم، اطلاعات من درباره این جایزه کم است، پس ضرورت دارد این جایزه در رسانه‌های جهان معرفی شود، اما اگر جهان معرفی شود، برای معیار این جوایز در سطح عالی آکادمیک و مطابق استانداردهای جهانی باشند، می‌توانند در ارتقا یا غنای پژوهش‌های اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی در رشته‌هایی که ذکر کردم مؤثر باشد.

انتصار در بخش دیگری از

سخنان خود درباره مراکز ایران شناسی و اسلام‌شناسی در امریکا و میزان تولیدات علمی سلالته آنها اظهار کرد: در امریکا مطالعات آکادمیکی که به آن ایران شناسی می‌گویند در محدوده کمی در چند دانشگاه یا انجمن‌ها انجام می‌شوند و تمرکز کم این مراکز روی رشته‌های ادبیات، تاریخ، باستان‌شناسی، مذهب و فلسفه است و دایره بسیار محدودی را شامل می‌شوند و مخاطبان آنها نیز بسیار محدود هستند.

انتصار در پایان سخنان خود گفت: نکته اصلی این است که متأسفانه اکثر مطالعات و انتشارات در خصوص سیاست، مسائل راهبردی، سیاست خارجی و اینگونه رشته‌ها درباره ایران توسط مراکز و «اتاق‌های فکر» ضد ایرانی که با کمک مالی کشورهای معاند تشکیل شده و اداره می‌شوند، انجام می‌گردد و بر این اساس عمده هدف آنها ترویج ایران ستیزی است نه ایران شناسی.

نظر پل بیلاز درباره تأثیر جایزه جهانی کتاب

بر دیپلماسی فرهنگی ایران

از سویی دیگړ پل بیلاز معتقد است: جایزه جهانی کتاب هر تأثیری که بر دیپلماسی فرهنگی ایران بگذارد، مثبت خواهد بود، اما باید در معرفی هر چه بیشتر و بهتر این جایزه به غربی‌ها و مراکز آکادمیک غربی گوشید. بیلاز یکی از سردبیران نشریه نشنال اینترست و عضو ارشد مرکز تحقیقات امنیتی دانشگاه جورج تاون و نیز مرکز مطالعات امنیتی ژنو است. وی استاد میهمان در برنامه مطالعات امنیتی در دانشگاه جورج تاون است. وی درباره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران گفت: متأسفانه من با این جایزه آشنا نبودم. این جایزه به میزانی که کارها و مطالعات خوب و برجسته در مورد ایران یا اسلام را به صورت دقیق مورد شناسایی قرار دهد، می‌تواند نیروی مثبتی برای درک بیشتر این موضوعات باشد.

بیلاز ادامه داد: جوایز کتابی که در ایالات متحده مستقر

هستند و من با آنها آشنا هستم، به نظر می‌رسد حداقل در بین محققان توجهی را به خود جلب کرده‌اند. حدس می‌زنم حداقل برخی از موضوعات انتخاب‌شده و شکل دهی به طرح‌های پیشنهادی کتاب، جایزه‌ها در ذهن دارند. بنابراین وجود جایزه به ترویج نوع پژوهشی که آن را به رسمیت می‌شناسد، کمک می‌کند.

عضو ارشد مرکز تحقیقات امنیتی دانشگاه جورج تاون درباره مراکز ایران‌شناسی در امریکا گفت: اساساً ایران‌شناسی در مراکزى که این حوزه مطالعاتی تمرکز اصلی آنهاست، انجام نمی‌شود. بهترین کارهای علمی در مورد ایران بیشتر توسط متخصصان انجام می‌شود که اتفاقاً به این یا آن اتاق فکر یا دانشگاه وابسته هستند و به عنوان بخشی از یک گروه کار نمی‌کنند. بیلاز همچنین درباره تأثیر جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران بر دیپلماسی

فرهنگی ایران نیز اظهار کرد: در این شرایط تأثیر صرفاً محدود به تعداد از محققان و دیگر متخصصان در این زمینه می‌شود. هر چند این جایزه دیپلماسی فرهنگی ایران را غنای می‌دهد و از این نظر مثبت است، اما مسئولان فرهنگی ایران نیز باید در معرفی هر چه بیشتر و بهتر این جایزه به غربی‌ها و مراکز آکادمیک

غربی هم بکوشند. **عادل پیغامی، مخاطبان جهانی را فراموش نکنیم** اما عادل پیغامی با اشاره به اینکه جوایز معتبر ابزاری برای دیپلماسی عمومی و برقراری ارتباط با مخاطبان بیرون مرزهای کشور است، گفت: جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در چهلمین دوره خود به بلوغ رسیده و یکی از ابعاد بلوغ آن، نگاه کردن به فراتر از مرزهای جمهوری اسلامی ایران است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی عنوان کرد: اساساً جشنواره‌ها و جوایزی که در

پی معرفی برترین‌ها هستند یک فناوری اجتماعی محسوب می‌شوند. فناوری اجتماعی‌ای که در پی الگوسازی است و با معرفی قلل‌ها و مختصات ویژگی‌های آثار برتر سعی می‌کند به جامعه مخاطب یک سیگنال و نشانه بدهد تا آن مدل‌اعلی رادر جامعه تکثیر کند.

وی ادامه داد: در جوایز عرصه کتاب هم وقتی داران

با در نظر داشتن یکسری ویژگی‌ها، آثار برتر را معرفی می‌کنند، در واقع این پیام را به جامعه مخاطب می‌دهند که امروز فضای فرهنگی و فضای عمومی کشور به محصولات و آثاری نیاز دارد. کارکرد دیگر چنین رویدادهایی این است که نظام از طریق آنها به نوعی مختصات و صفات خود را به جامعه می‌رساند، در حقیقت این آثار یک خصیصه داخلی و بیرونی معرفی از نظام را به مخاطبان می‌کنند و جامعه‌سازی گرفته می‌شود.

دانشگاه امام صادق(ع) گفت: جشنواره‌ها و رویدادهایی مانند جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ثبت‌کننده صفات جامعه هستند. در حوزه کتاب، جایزه کتاب سال همیشه چنین کار کردهایی داشته و توانسته است تصویری از جامعه مطلوب و تصویری از خصیصه‌های آثار فرهنگی شاخص را به فضای عمومی و جامعه فرهنگی و تخنگانی ارائه دهد. پیغامی در ادامه با اشاره به آنچه افزود: این جایزه در چهلمین دوره خود به نوعی به بلوغ رسیده و یکی از ابعاد بلوغ آن، نگاه کردن به فراتر از مرزهای جمهوری اسلامی ایران است. جوایز معتبر ابزاری برای دیپلماسی عمومی و برقراری ارتباط با مخاطبان بیرون مرزهای کشور است. این ابزارها یک زبان محسوب می‌شوند که می‌توانند در یک ارتباط میان فرهنگی بین اذهان پل بزنند.